

صبح همگی بخیر.
امروز برادر تیم سندل درباره‌ی کتاب تثبیه برایمان موعظه خواهد کرد.
باشد که برکت گیریم

تثبیه ۸: ۱-۲۰

وقتی ۵ ساله بودم، هنگامی که ملکه به زادگاه من آمد، او را ملاقات کردم و به او گل دادم. حداقل تا سال گذشته اینطور فکر می‌کردم... من به طور اتفاقی این خاطره را به پدر و مادرم یادآوری کردم، و آنها به من گفتند که من آن کسی نبوده‌ام که به ملکه گل ها را داده است... من به اشتباه به یاد آورده بودم. یا شاید من این کار را کرده‌ام و والدینم فراموش کرده‌اند؟ ما هرگز نمی‌دانیم

جان کالوین در مورد این که "ذهن انسان در فراموش کردن خدا چقدر لغزنده و کنترل‌ناپذیر است" مطلبی نوشته است.

حتی به عنوان افراد مسیحی، ما خدا را فراموش می‌کنیم... ما در فراموشی غرق می‌شویم. ما در مورد انجیل فراموشکاری داریم

همه ما می‌توانیم به افرادی که می‌شناسیم فکر کنیم، که قبلاً «طبق تعالیم انجیل پیش می‌رفتند»، اما اکنون به نظر می‌رسد فراموش کرده‌اند. و اگر صادق باشیم، می‌توانیم این فراموشکاری را در قلب خود نیز ببینیم. این قسمت دقیقاً درباره‌ی همین موضوع صحبت می‌کند

ما در سفر تثبیه فصل ۸ هستیم. قوم خدا در آستانه سرزمین موعود هستند، و او آنها را آماده می‌کند تا وارد شوند آنها باید دستورات خدا را در حین ورود رعایت کنند، و باید آن را انجام دهند. (آیه ۶) با راه رفتن در راه های او و ترس از او (که منظور از آن تحت تاثیر قرار گرفتن از نیکویی خداست)

! و بنابراین، موسی قوم خود را به انجام دو کار دعوت می‌کند: به یاد داشته باشید و فراموش نکنید

خداوند و خوبی او را به یاد آورید، آیات ۲-۱۰. ۱.

اول، آنها باید خداوند و خوبی های او را به یاد داشته باشند

، آیا این موضوع را در آیه ۲ می‌بینید؟ "و تو به یاد خواهی آورد..." در آیه ۵ نیز همین با کلماتی دیگر وجود دارد "پس در قلب خود بدان"

این فقط مربوط به دانستن چیزهایی در ذهن شما نیست. این یک دانش قلبی است، یک دانش درونی. خاطره ای. آرزومندانه در روح ما. بله، اطلاعات، اما عشق، اعتماد به نفس، شادی نیز

کمی شبیه شناخت زن و شوهر از یکدیگر است. بله، اطلاعاتی وجود دارد - قد همسرم اینقدر است، او این را دوست دارد، آن را دوست ندارد - اما رابطه نیز وجود دارد، عشق، شادی، امنیت، تجربیات مشترک و عشق مشترک

این روشی است که آنها و ما باید خداوند را یاد کنیم

! آنها باید خوبی های او را به خاطر بسپارند و به یاد داشته باشند که به او وابسته باشند

آ. خوبی های پروردگار را به خاطر بسپار

ما اغلب فکر می‌کنیم که خدا با ما خشن است، اما این بسیار دور از واقعیت است

در آیه ۲، قوم خدا باید "تمام روشی را که یهوه آنها را در این چهل سال در بیابان رهبری کرده است به خاطر
"بسپارند".

اگر شروع این مجموعه در تنبیه را به خاطر بیاورید، به یاد خواهید آورد که خدا قوم خود را به عنوان مجازات به
بیابان فرستاد زیرا آنها از او اطاعت نکردند. به همین دلیل بود که سفر یازده روزه از کوه سینا تا جایی که اکنون
هستیم، در آبه سرزمین موعود، ۴۰ سال طول کشید. این یک مجازات بود، اما او آنها را ترک نکرد. او آنها را
رهبری کرد.

شگفت آور است - اینکه خدا گناهکاران را رهبری می کند - اما این خدایی که هست. یک خدای مهربان است.

نه تنها این، بلکه در راه به آنها غذا داد. آنها در یک بیابان بودند. اما خدا (آیه ۳) «[آنها] را با مَنَّا تغذیه کرد که
».[آنها] نمی دانستند و پدران [آنان] نمی دانستند

او نیازهای آنها را از راه های معجزه آسایی تامین می کرد.

و او نه تنها آنها را رهبری و تأمین کرد، بلکه به طور معجزه آسایی از آنها مراقبت کرد - آیه ۴، لباسهای آنها
فرسوده نشد و پاهای آنها به مدت ۴۰ سال متورم نشد.

پدر دو پسر کوچک که به نظر می رسد هر ماه لباس هایشان فرسوده می شود - این یک معجزه واقعی است! برای
۴۰ سال!

تا به حال، تمام آنچه این نسل می دانسته است، بیابان است. اما نگاه کنید که خداوند آنها را به کجا می آورد، در آیات
۷-۱۰.

پس از مدتی که تقریباً هیچ ندارند، خداوند به آنها فراوانی خواهد داد: «بدون کمبود»، «بدون هیچ نقصی»، «سیر
خواهند شد».

!! و این فقط در مورد ضروریات صحبت نمی کند - عسل وجود خواهد داشت، یا ترجمه بهتر: مربا

.آنها راضی خواهند شد - و آیه ۱۰، خداوند را به خاطر همه آنچه به آنها داده است شکر خواهند داد.

این همان خدایی است که ما داریم. کسی که گناهکاران را رهبری می کند، آنها را تغذیه می کند و از آنها مراقبت
می کند. کسی که قرار است آنها را بسیار برکت دهد، زیرا آنها را دوست دارد.

ب. به یاد داشته باشید که به او وابسته باشید.

.و از این رو موسی از مردم خود می خواهد که به او وابسته باشند.

به آیه ۵ نگاه کنید. قوم خدا باید در دل خود بدانند که او آنها را تربیت می کند، همانطور که پدر پسرش را تربیت
می کند.

.انضباط به معنای تنبیه نیست، بلکه به معنای آموزش است. همچون شیوه تعلیم و تربیت فرزندان توسط والدین.
انگیزه آن محبت و توجه او به آنها بوده است، مانند عشق و مراقبتی که یک والدین خوب به فرزندانشان دارند.

آیا این را در آیه ۲ دیدید؟ خدا آنها را در بیابان هدایت کرد تا «آنها را فروتن سازد و آنها را بیازماید تا بدانند چه در
» دلشان است.

چرا - چرا خدا به آزمایش قوم خود نیاز دارد؟ برای نشان دادن آنچه در دل داشتند، نشان دهند که آیا آنها به
دستورات او عمل می کنند یا نه. البته خدا می دانست که در دل آنها چه می گذرد، اما آیا آنها خودشان هم از قبل
میدانستند؟

خداوند آنها را از بردگی در مصر نجات داد و آنها را به این سرزمین موعود هدایت می کند. آنها باید متواضع باشند و به یاد داشته باشند که خدا نجات دهنده آنها است، خدای آنها - و باید با اطاعت از او زندگی کنند. این تواضع واقعی است: اینکه بدانیم خدا کیست و ما کی هستیم

و این همان چیزی است که در آیه ۳ می‌گذرد - دلیل اینکه خدا به آنها مَنّا داد تا «به آنها بفهماند که انسان تنها با نان زندگی نمی‌کند، بلکه انسان به هر کلمه‌ای که از دهان خداوند می‌آید زندگی می‌کند

این باعث ایجاد تقسیم بین چیزهای فیزیکی و معنوی نمی شود. نه، این در مورد یادگیری این است که زندگی واقعی - از خدا و کلام او می‌آید. این در مورد این است که به یاد بیاوریم خدا کیست -- خدای حیات بخش، خوب و مهربان و به یاد آوریم که ما چه کسی هستیم: افرادی که محبت او را دریافت کرده اند -

ما نمی‌توانیم این را بخوانیم و عیسی را که به‌طور خاطره‌انگیزی آیه ۳ را نقل کرد، به یاد بیاوریم

متی ۴ می گوید که چگونه خدای روح القدس خداوند عیسی را به بیابان هدایت کرد و او ۴۰ روز و ۴۰ شب در - آنجا ماند. در آنجا بود، پس از وسوسه شدن، خداوند فرشتگان خود را فرستاد تا خدمت کنند و به طور معجزه آسایی از او مراقبت کنند. اما قبل از آن، در آنجا در بیابان بود که عیسی توسط شیطان وسوسه شد و در آنجا بود که قلب او آزمایش شد - آیا او فروتنانه در برابر خدا اطاعت می کرد؟

«اگر تو پسر خدا هستی، به این سنگ‌ها دستور بده تا قرص‌های نان شوند»

در حالی که گرسنه بود، اما فرمانبردار ماند - او به یاد آورد که "انسان تنها با نان زندگی نمی کند، بلکه با هر کلمه ای که از دهان خدا می‌آید زندگی میکند

و به دلیل اطاعت او است، زیرا او همه این کارها را انجام داد در حالی که ما نتوانستیم، زیرا او بر روی صلیب مجازاتی را که ما سزاوار آن بودیم متحمل شد - به خاطر همه اینها است که کلمات او به "کلمات زندگی" تبدیل می شوند.

«همانطور که پطرس به عیسی گفت: «خداوندا، پیش چه کس [دیگری] برویم؟ شما کلمات حیات جاودانی را دارید (یوحنا ۶: ۶۷-۶۸)

ج. قلب شما چیست؟

سوالی که در اینجا از ما پرسیده می شود این است - در قلب شما چیست؟ آیا این چیزها را در دل خود می دانید؟

آیا نیکی پروردگار را می دانید، آیا او را یاد می کنید و آرام می گیرید و از آن احساس شادی می کنید؟

اگر این کار را انجام می دهیم، پس چرا می خواهیم کاری غیر از این انجام دهیم؟ (آیه ۶)
با راه رفتن در راه او و با ترسیدن از او - یعنی با احساسی عمیق از اینکه چقدر خوب است، خوشحال باشیم و تحت تأثیر او باشیم

این چیزی است که باید اتفاق بیفتد - اما اغلب این اتفاق نمی افتد. و این همان است که موسی در این بخش بعدی می گوید

هنگامی که از خوبی او لذت می برید، خداوند را فراموش نکنید، آیات ۱۱-۲۰. ۲.

موسی به مردم می‌گوید: وقتی از خوبی‌های خداوند نسبت به خود لذت می‌برید مراقب باشید که خداوند را فراموش نکنید. این نکته دوم ماست

به آیه ۱۱ نگاه کنید: «مواظب باش که یهوه خدای خود را فراموش نکنی و اوامر و احکام او و فرایض او را که
» امروز به تو امر می‌کنم حفظ کنی

آیا سورپرایز را آنجا دیدید؟ در حالی که آیه ۲ می‌گفت: «تمام راه و روش خداوند را به یاد داشته باشید...». اینجا
"در آیه ۱۱ می‌گوید، "مراقب باش که خداوند را فراموش نکنی

والدین از سفر کاری برمی‌گردند و برای بچه‌هایشان هدیه می‌آورند. آنها هدیه را می‌گیرند، فرار می‌کنند تا با آن
بازی کنند و کسی را که به آنها هدیه داده است نادیده می‌گیرند. آن پدر چه احساسی دارد - کمی صدمه دیده است. این
نه تنها از نظر اخلاقی اشتباه است، بلکه از نظر ارتباطی نیز اشتباه است. توهین آمیز است

این چیزی است که در اینجا اتفاق می‌افتد. وقتی خداوند را فراموش می‌کنیم، همه چیز از جای خود خارج می‌شود

آ. فراموشی منجر به غرور می‌شود، آیات ۱۱-۱۸

... "به آیه ۱۱ نگاه کنید. "مراقب باش که خداوند را فراموش نکنی

۸: ۱۲ مبدا چون خوردی و سیر شدی و خانه‌های نیکو ساختی و در آنها ساکن شدی
۸: ۱۳ و چون گله‌های شما زیاد شود و نقره و طلای شما زیاد شود و هر چه دارید زیاد شود
۸: ۱۴ پس مغرور شوی

سرزمینی که آنها به آن می‌روند شگفت‌انگیز خواهد بود - همانطور که دیدیم - اما از نظر معنوی نیز خطرناک
است

... "آیا دنباله را در ۱۲-۱۴ مشاهده کردید؟ "وقتی"، "وقتی"، "پس

مراقب باش که خدا را فراموش نکنی... "مبدا... وقتی سیر شدی و در خانه‌های خوب زندگی می‌کنی، وقتی"
ثروتمند شدی آنگاه (آیه ۱۴) مغرور شوی و خدا را فراموش کنی و سپس (آیه ۱۷) در دلت بگویی: «قدرت دست من
» این ثروت را به من داده است

فراموشی منجر به غرور می‌شود: من این کار را کردم، و خودم به آن رسیدم. من آن را به دست آوردم، چون
باهوش بودم، و انتخاب‌های درستی انجام دادم

- چقدر اینطور فکر می‌کنیم؟ من فکر می‌کنم ما این کار را در دو زمینه انجام می‌دهیم

من فکر می‌کنم ما این کار را با پول خود انجام می‌دهیم... ممکن است دقیقاً آن کلمات را نگوئیم، اما عادات خرج
کردن و رویاهای ما چقدر نشان می‌دهد که فکر می‌کنیم پولمان متعلق به خودمان است، زیرا خودمان آن را به دست
"... آورده‌ایم. به جای (آیه ۱۸) اینکه فکر کنیم "خدا به ما می‌دهد

فکر می‌کنم در زندگی معنوی خود نیز این کار را انجام می‌دهیم. چرا من مسیحی هستم؟ آیا به این دلیل است که
من باهوش‌تر از دیگران هستم و تصمیمات درستی گرفته‌ام؟ چرا خدمت من در کلیسا خوب پیش می‌رود؟ آیا به این
دلیل است که «قدرت و توان» من باعث شده است که به خوبی پیش بروم؟

نه - همه اینها کار خداست. این هر غروری را که ممکن است داشته باشیم خنثی می‌کند، و اگر احساس ناامنی کنیم
اعتماد به نفس زیادی به ما می‌دهد... این موفقیت‌ها به ما مربوط نیست، به او مربوط می‌شود

غرور از فراموشی حاصل می‌شود. به آیه ۱۴ نگاه کنید، این خدا بود که مردمش را از بردگی در مصر بیرون
آورد. این خدا بود که (آیه ۱۵) آنها را از طریق "بیابان بزرگ و وحشتناک با مارها و عقرب‌های آتشین آن" هدایت
کرد. این خدا بود که (آیه ۱۵) برای آنها آب را از دل سنگ در وسط مکانی با زمین تشنه و بدون آب بیرون آورد
... این خدا (آیه ۱۶) بود که آنها را با مَنّا تغذیه کرد

غرور از فراموشی حاصل می شود. مواظب باش که مبادا در دلت بگویی: «قدرت من و قدرت دست من این را به ... من داده است»

باز هم، ما باید در اینجا با خود رک و صادق باشیم

در دلت چیست؟ دلت کجاست؟ آیا با غرور بالا می رود یا با فروتنی آرام می گیری، شاد می شود و به یاد می آورد که همه از دست نیک و مهربان خداست؟

ب. ... غرور منجر به بت پرستی می شود، ۱۹-۲۰

آیا به نحوه بیان موسی موقع دادن این هشدارها در آیه ۱۱ و ۱۷ توجه کردید؟

او فقط نگفت: «فراموش نکن» و «در دلت نگو». بلکه گفت: مواظب باش فراموش نکنی... و مواظب باش که در دلت نگویی

او می گوید که چون این یک چیز اضافی اختیاری در زندگی مسیحی ما نیست. این به قلب رابطه ما با خداوند ارتباط دارد. زیرا اگر فکر کنیم که این چیزها را خودمان به دست آورده ایم، چیز دیگری را به جای خدا می گذاریم: یا خودمان یا چیزهایی که دنبال آن می رویم

به همین دلیل است که در آیه ۱۹، موسی به آنها - و ما - در مورد فراموش کردن خداوند هشدار می دهد که منجر به غرور و سپس رفتن به دنبال خدایان دیگر و خدمت به آنها و پرستش آنها می شود

آیه ۲۰ به آنها هشدار می دهد: اگر بنی اسرائیل خدا را فراموش کنند و در نهایت به دنبال خدایان دیگر بروند و مانند امت های اطرافشان به آنها خدمت کنند و آنها را پرستش کنند، در این صورت آنها نیز مانند آن ملت ها به پایان خواهند رسید

این اتفاق افتاد - سلیمان فراموش کرد و به دنبال خدایان دیگر رفت. و اسرائیل به تبعید رفت

بت پرستی ناشی از فراموشی این موضوع است که همه چیز از جانب خداست. ما باید این هشدار را بشنویم

ما با فیض نجات می یابیم، نه با اعمال. این یک هدیه رایگان است، اما اگر فراموش کنیم و از خداوند و هدیه رایگان نجات او دور شویم، انتظار داریم که این نجات از کجا بیاید؟

فراموش نکنید که به یاد داشته باشید، در مژده های خداوند عیسی شاد باشید و در آن استراحت کنید. ۳. «کالوین درست می گفت که «ذهن انسان در فراموش کردن خدا لغزنده و کنترل ناپذیر است»

و بنابراین، روح القدس که از طریق موسی صحبت می کرد، امروز ما را در اینجا تشویق میکند و هشدار می دهد که به یاد بیاوریم و فراموش نکنیم

او به ما می گوید: فراموش نکنید که به یاد داشته باشید، در مژده خداوند عیسی شاد باشید و استراحت کنید

اما راه حل این است: لذت بردن و استراحت کردن و وابسته بودن به آنچه عیسی برای ما انجام داده است. از انجیل لذت ببرید. از آنچه او به شما داده لذت ببرید و برای آن تشکر کنید - این راه حل است

، با آن مانند هدیه عروسی که هرگز استفاده نمی شود رفتار نکنید - این هدیه ای است که امروز باید از آن لذت برد. او هدیه ای است که امروز از آن لذت می بریم

ما برده گناه بودیم، در دام افتاده بودیم، مرده بودیم. اما عیسی مسیح به درهای زندان ما یورش برد و ما را از طریق مرگ و رستخیز خود بیرون آورد

و ما را به سرزمین موعود بهشتی مان خواهد آورد. او ما را به آن سرزمین فراوانی و رضایت خواهد آورد: نه فقط در چیزها، بلکه در او! ما چهره او را می‌بینیم و می‌شنویم که «آفرین، بنده خوب و مؤمن!» و بزرگترین آغوش مهربان را خواهیم داشت. و از آن روز به بعد در او راضی خواهیم بود و دیگر ناله نخواهیم کرد.

و او اکنون ما را هدایت می‌کند. او به وسیله روح القدس خود به طور معجزه آسایی به ما عنایت می‌کند، با مهربانی از ما مراقبت می‌کند. امروز نان روزانه خود را به ما می‌دهد. به ما سپرده است تا بار همدیگر را به دوش بکشیم.

خداوند همه اینها را از روی لطف انجام می‌دهد. ما کاری نکرده‌ایم که لایق این باشیم، اما او به خاطر عشق ما را دارایی ارزشمند خود کرد - و بنابراین جایی برای غرور وجود ندارد.

او همه این کارها را انجام می‌دهد، پس چرا ما می‌خواهیم به دیگران روی بیاوریم؟

این کلید همه اینها است - خبر خوب است، او خبر خوبی است. نکته کلیدی این است که به یاد داشته باشید استراحت کنید و از آن لذت ببرید.

- چگونه به یاد آوریم، شادی کنیم و در خداوند آرام بگیریم؟ خوب، او این کار را در حال حاضر در ما انجام می‌دهد مردان و زنان تنها با نان زندگی نمی‌کنند، بلکه با هر کلمه زندگی که از دهان این خداوند عیسی می‌آید زندگی می‌کنند.

ما آن کلمات زندگی را در موعظه کلام او در اینجا در کلیسا می‌شنویم.

ما آن‌ها را در صحبت‌های مردمانش با قهوه در انتهای کلیسا، در تیم انجیل، در مکالمات عادی با یکدیگر می‌شنویم.

ما آنها را در خواندن یا شنیدن منظم کلمات او در کتاب مقدس می‌شنویم - توسط خودمان، یا با دوستان، یا با خانواده.

به یاد داشته باشید، در انجیل شگفت‌انگیز، کلمات شگفت‌انگیز زندگی که از عیسی آمده است، استراحت کنید و شاد باشید.

مردان و زنان تنها با نان زندگی نمی‌کنند، بلکه با هر کلمه زندگی که از دهان این خداوند عیسی می‌آید زندگی می‌کنند.